



The Deadline for Invoking the Frivolous Claim in Iranian Law (Looking at the Judicial Procedure)

Mahdi Hamze Howeyda* 

Assistant Professor, Nahavand
Higher Education Complex,
University of Bu-Ali Sina, Hamedan,
Iran

Extended Abstract

The demand for security for damages resulting from filing a false lawsuit is an institution to counter baseless and harassing lawsuits, which has also been considered by the Iranian legislator. Regardless of the concept of a false lawsuit and the conditions for citing it, the present study has attempted to examine, using a descriptive-analytical method, the time to object to the falseness of the lawsuit and the request for security for it. Although at first glance at the text of Article 109 of the Civil Procedure Code, there is no restriction on time and for this reason, many courts do not consider the objection to a false lawsuit to be subject to time, the essence of the article and the guarantee of enforcement provided in it show that not only is this

* Corresponding Author: M.hamzehoweyda@basu.ac.ir

How to Cite: Hamze Howeyda, M. (2025). The Deadline for Invoking the Frivolous Claim in Iranian Law (Looking at the Judicial Procedure). Private Law Research, 14(52), 185 - 212. doi: [10.22054/jplr.2025.87090.2943](https://doi.org/10.22054/jplr.2025.87090.2943)

institution bound by time, but it also faces time constraints and must be invoked in the first stages of the proceedings.

The usual way to counter a false lawsuit, in addition to compensating for the damages incurred, is to impose a heavy fine or, in some cases, to determine a criminal penalty. However, the guarantee of enforcement provided in the Iranian Civil Procedure Code has been something more than a claim for damages and fines from the very beginning. The defendant can refuse to respond to the plaintiff's lawsuit until he has secured and deposited his possible damages (stay of proceedings). The barrier created in Iranian procedural law against filing false claims is not seen in this way, even in the French Code of Civil Procedure. According to Article 32-1 of the French Code of Civil Procedure (amended in 2005), filing a groundless and frivolous lawsuit will be accompanied by a cash fine. Accordingly, the innovation of the Iranian legislator in dealing with groundless lawsuits is noteworthy.

The law has not provided a precise criterion for identifying the concept and examples of a frivolous lawsuit; the judge may determine a lawsuit to be frivolous based on the "type of lawsuit", "status of the lawsuit" and "other aspects" and collect compensation from the plaintiff for it.

Although examining the conditions for citing the frivolousness of a lawsuit and analyzing the concept of this institution are important in their own right, and lawyers have said and written about it, it is not the subject of this article. In this context, what is in the center of attention is the time of filing and citing the frivolousness of the lawsuit. When or for how long can the defendant object to the frivolousness of the plaintiff's lawsuit? Does this objection necessarily have to be made before the hearing? Is it possible to invoke the fact that the claim is frivolous even after hearing the substantive statements

and defenses? Answering these questions is necessary because Article 109 of the Civil Procedure Code does not have an explicit provision regarding the time when the claim is frivolous. The aforementioned silence may create the impression and challenge that the objection to the fact that the claim is frivolous is not bound and limited to a specific time; the defendant can request compensation whenever he deems it necessary, and the court, if it finds the defendant's objection, can make a decision in this regard at any time and require the plaintiff to pay damages resulting from the filing of a frivolous claim. In fact, the text and appearance of the law are absolute in terms of time, and therefore, no limitation can be imposed on the defendant.

It goes without saying that any view regarding the time of claiming compensation will have important practical effects and significant consequences in the litigation process. However, regardless of the aforementioned effects and consequences, the reality is that until the nature of the claim for compensation is determined, it is not possible to correctly comment on the time of its filing. Accordingly, the approach and strategy of the present research is to find the time of claiming compensation based on the nature of this entity. The question of what a claim for compensation is and what its examples are goes back to the category of "concept". However, the issue of which category of procedural rules the defendant's claim for compensation for damages based on the claim being false falls into and what its position is in terms of procedure is a question of the nature of the objection to a false claim, and as a statement of the hypothesis, it can be answered as follows: the objection in question is actually a formal objection or, beyond that, it can be considered a substantive defense. The exceptional nature of the objection to a false claim and attention to some practical problems reinforce the hypothesis that after passing the stage of reviewing the petition and entering into the dispute and its

nature, the possibility of objecting to the false claim and requesting compensation will disappear.

Keywords: frivolous claim, proceeding phase, terms of the petition, objection, claim

زمان طرح تقاضای تأمین دعوای واهی در حقوق ایران (با نگاهی به رویه قضایی)

مهدی حمزه هویدا*  | استادیار مجتمع آموزش عالی نهاوند، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

چکیده

تقاضای تأمین برای جبران خسارات ناشی از اقامه دعوای واهی، نهادی است برای مقابله با طرح دعوای بی‌اساس و ابدایی، که مورد توجه قانونگذار ایرانی نیز قرار گرفته است. صرف نظر از مفهوم دعوای واهی و شرایط استناد به آن، در پژوهش حاضر تلاش شده است، با شیوه توصیفی-تحلیلی، زمان اعتراض به واهی بودن دعوا و تقاضای اخذ تأمین برای آن، مورد بررسی قرار گیرد. اگرچه در نخستین نگاه به متن ماده ۱۰۹ قانون آیین دادرسی مدنی هیچ قیدی درباره زمان دیده نمی‌شود و به همین علت، بسیاری از محاکم اعتراض به دعوای واهی را تابع زمان نمی‌دانند، اما بطن ماده و ضمانت اجرای مقرر در آن نشان می‌دهد که نه تنها این نهاد مقید به زمان است بلکه با ضیق زمانی مواجه است و باید در نخستین مقاطع دادرسی مورد استناد قرار گیرد. استثنایی بودن ایراد به دعوای واهی و توجه به برخی اشکالات عملی این فرضیه را تقویت می‌کند که پس از گذر از مقطع بررسی دادخواست و ورود به دعوا و ماهیت آن، امکان ایراد به واهی بودن دعوا و تقاضای تأمین از بین خواهد رفت.

کلیدواژه‌ها: ایراد، دعوا، دعوای واهی، شرایط دادخواست، مقطع دادرسی.

مقدمه

ماده ۱۰۹ قانون آیین دادرسی مدنی، به خواننده این حق را داده است که برای تأدیه خسارات ناشی از هزینه دادرسی و حق الوکاله وکیل که برای دفاع در برابر دعوی خواهان هزینه کرده، تقاضای تأمین کند. این نهاد که در حقوق ما به «تأمین دعوی واهی» مشهور گردیده و نخستین بار به موجب ماده ۲۵ مکرر قانون آیین دادرسی مدنی (مصوب ۱۳۳۹) وارد نظام حقوقی ایران شده است، درواقع، راهکاری است برای پیشگیری و مقابله با طرح دعاوی بی‌مبنا و غیرواقعی. دادگستری وقت و حوصله رسیدگی به ادعای واهی را ندارد. چنان‌که طرف دعوا نیز قاعدتاً نباید وادار به صرف هزینه و وقت برای دفاع از دعوی واهی گردد. راه معمول برای مقابله با دعوی واهی، علاوه بر جبران خسارات وارده، وضع جریمه سنگین و یا در مواردی، تعیین مجازات کیفری است. برای نمونه، ماده ۵۲ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱، برای طرح دعوی واهی اثبات زوجیت، حبس تعزیری درجه شش مقرر کرده است. ماده ۵۱ قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث بر اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵ نیز برای طرح دعوی واهی، جریمه و خسارت در نظر گرفته است.^۱ اما ضمانت اجرای مقرر در قانون آیین دادرسی مدنی ایران، از همان ابتدا، چیزی فراتر از مطالبه خسارت و جریمه بوده است؛^۲ خواننده می‌تواند تا تأمین و تودیع خسارات احتمالی خود، از پاسخ به دعوی خواهان امتناع کند (توقف دادرسی). سدی که در حقوق دادرسی ایران در برابر طرح دعوی واهی ایجاد شده، حتی در قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه نیز به این شکل دیده نمی‌شود. براساس ماده ۳۲-۱ قانون آیین دادرسی مدنی

۱- برای دیدن تاریخچه و فهرست کاملی از قوانین خاص پیرامون دعوی واهی، بنگرید به: بهرامی، *دعوی واهی؛ مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، انگلیس و امریکا (با تأکید بر رویه قضایی)*، (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۴۰۳)، ص ۲۳ به بعد.

۲- فلسفه اصلی در وضع ماده ۱۰۹ قانون آیین دادرسی مدنی، جلوگیری از خسارت‌های ناشی از طرح دعاوی بی‌پایه و اساس دانسته شده است (نظام الملکی، جعفر و جهانشاهلو، معصومه، «قابلیت اخذ هم‌زمان تأمین دعوی واهی و تأمین اتباع بیگانه در حقوق ایران: با نگاهی به رویه قضایی»، *مطالعات حقوقی*، دوره ۱۳، شماره ۱، (۱۴۰۰)، ص ۲۷۳).

فرانسه (اصلاحی ۲۰۰۵)، طرح دعوی بی‌اساس و واهی با جرمه نقدی همراه خواهد شد.^۱ بر این اساس، ابداع قانونگذار ایرانی در مقابله با دعوی بی‌اساس، قابل توجه است.^۲ قانون، ملاک دقیقی برای شناسایی مفهوم و مصادیق دعوی واهی ارائه نکرده است؛ دادرس با توجه به «نوع دعوا»، «وضع دعوا» و «سایر جهات» ممکن است دعوایی را واهی تشخیص دهد و برای آن از خواهان تأمین اخذ کند. اگرچه بررسی شرایط استناد به واهی بودن دعوا و تحلیل مفهوم این نهاد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و حقوق‌دانان در این زمینه مطالبی گفته و نوشته‌اند،^۳ اما این موضوع خارج از محور اصلی نوشتار حاضر است. در این مجال، آنچه در مرکز توجه قرار دارد، زمان طرح و استناد به واهی بودن دعواست. خواننده در چه زمانی و یا تا چه بازه‌ای می‌تواند به واهی بودن دعوی خواهان اعتراض کند؟ آیا این اعتراض الزاماً باید پیش از جلسه دادرسی مطرح شود؟ یا پس از استماع اظهارات و دفاعیات ماهوی نیز امکان استناد به واهی بودن دعوا وجود دارد؟ پاسخ به این پرسش‌ها از آن جهت ضرورت دارد که ماده ۱۰۹ ق.آ.د.م حکم صریحی در خصوص زمان طرح واهی بودن دعوا ندارد. این سکوت ممکن است این تصور و چالش را ایجاد که اعتراض به واهی بودن دعوا مقید و محدود به زمان خاص نیست؛ به گونه‌ای که خواننده هرگاه که تشخیص دهد، می‌تواند تقاضای تأمین کند و دادگاه نیز اگر ایراد خواننده را وارد دید، هر زمان می‌تواند در این خصوص تصمیم بگیرد و خواهان را ملزم به تودیع خسارات ناشی از طرح دعوی واهی کند.

۱- در ترجمه مواد قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه، از این منبع استفاده شده است: محسنی، حسن، آیین دادرسی مدنی فرانسه، جلد اول، چاپ دوم، (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۱). ماده ۳۲-۱: «شخصی را که به شیوه تأخیری یا سوءاستفاده به دادگستری مراجعه می‌کند، ممکن است به حداکثر ۳۰۰۰ یورو جریمه مدنی علاوه بر ضرر و زیانی که اعلام خواهد شد محکوم کرد».

۴- بنگرید به: متین دفتری، احمد، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، ج ۲، چاپ ششم، (تهران: مجد، ۱۴۰۲)، ص ۷۸۶.
۳- برای نمونه بنگرید به: شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، ج ۳، (تهران: دراک، ۱۳۸۵)، ص ۳۰ و افتخار جهرمی، گودرز و السان، مصطفی، آیین دادرسی مدنی، ج ۳، (تهران: میزان، ۱۴۰۱)، ص ۱۱۰ و مهاجری، علی، دوره جدید مبسوط در آیین دادرسی مدنی، ج ۲، (تهران: فکرسازان، ۱۴۰۲)، ص ۵۱ و بهرامی، پیشین، ص ۶۷.

درواقع، متن و ظاهر قانون، از حیث زمانی، مطلق است و از این جهت نمی‌توان محدودیتی به خواننده تحمیل کرد. باوجود آنکه در پیشینه موضوع، پژوهشی مستقل در مورد زمان طرح این تقاضا به نظر نرسید، اما ملاحظه نظریات حقوقی حکایت از آن دارد که غالب حقوق دانان، با تحلیل‌های متفاوت، به نوعی ایراد به واهی بودن دعوا را مقید به زمان دانسته‌اند. برخی استادان معتقدند: «اگرچه زمان درخواست تأمین در قانون پیشینی نشده، اما نمی‌توان درخواست تأمینی که در اثنای دادرسی پس از دفاع‌های دیگر خوانده، مطرح شده را پذیرفت».^۱ گروهی دیگر از نویسندگان ایراد به دعوی واهی را غیرآمره تلقی می‌کنند و مستند به مواد ۸۷ و ۹۰ قانون آیین دادرسی مدنی، به خواننده تا پایان جلسه اول دادرسی مهلت می‌دهند که به ایراد مزبور استناد کند.^۲ اخذ وحدت ملاک از نهاد تأمین اتباع بیگانه (موضوع ماده ۱۴۴ قانون آیین دادرسی)، موجب شده است تا بر مبنای این ماده نیز زمان اعتراض به واهی بودن دعوا، تا پایان جلسه اول دادرسی تلقی گردد.^۳ در نقطه مقابل، دیدگاه برخی دیگر آن است که استناد به واهی بودن دعوا و رسیدگی به آن از زمان تقدیم دادخواست تا ختم دادرسی امکان‌پذیر است. بدین توضیح که به موجب قانون، قاضی باتوجه به «نوع» و «وضع دعوا» و «سایر جهات» تصمیم خود را اتخاذ می‌کند و امکان احراز این شرایط پس از دفاع ماهوی بیشتر است تا قبل از آن.^۴

موضع رویه قضایی و تکلیف دادگاه‌ها نیز به درستی معلوم نیست. برخی محاکم، پس از استماع اظهارات طرفین و ورود در ماهیت دعوا و متعاقب تقاضای خوانده، اقدام به اتخاذ تصمیم در خصوص تقاضای تأمین می‌کنند و برخی دیگر پس از دفاعیات ماهوی، تقاضای

۱- شمس، عبدالله، *آیین دادرسی مدنی*، ج ۳، (تهران: دراک، ۱۳۸۵)، ص ۳۱. البته نویسنده در جای دیگری، به قرینه ماده ۱۴۴ قانون آیین دادرسی مدنی، زمان طرح اعتراض به واهی بودن دعوا را تا پایان جلسه اول دانسته‌اند: شمس، عبدالله، *آیین دادرسی مدنی*، ج ۲، (تهران: دراک، ۱۳۸۵) ص ۱۶۹.

۲- افتخار جهرمی، گودرز و السان، مصطفی، *آیین دادرسی مدنی*، ج ۳، (تهران: میزان، ۱۴۰۱)، ص ۱۱۴.

۳- نوبخت، یوسف، *نگاهی به آیین دادرسی مدنی*، (تهران: راد نواندیش، ۱۳۹۳)، ص ۱۵۹.

۴- یوسف زاده، مرتضی، *آیین دادرسی مدنی*، (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۴)، ص ۲۹۸.

تأمین را از خواننده نمی‌پذیرند.^۱ اداره حقوقی قوه قضاییه نیز استناد به واهی بودن دعوا را در مرحله تجدیدنظر را غیرممکن می‌داند و از این حیث، نهاد مزبور را محدود و مقید به مرحله بدوی دانسته است (نظریه شماره ۷/۱۴۰۰/۷۳۹ مورخ ۱۴۰۰/۰۸/۳۰).^۲ اگرچه این نظریه ناظر بر مرحله تجدیدنظر است اما این نکته از آن قابل استفاده است که طرح ایراد به واهی بودن دعوا محدود به مرحله زمانی خاصی است و نباید آن را بی‌زمان تلقی کرد. ناگفته پیداست که قائل شدن به هر دیدگاهی درباره زمان مطالبه تأمین، آثار عملی مهم و پیامدهای قابل توجهی در فرایند دادرسی خواهد داشت. اما صرف نظر از آثار و پیامدهای مذکور، واقعیت آن است که تا ماهیت تأمین دعوای واهی مشخص نشود، نمی‌توان در مورد زمان طرح آن نیز به درستی اظهار نظر کرد. بر این اساس، رویکرد و راهکار پژوهش حاضر یافتن زمان مناسب برای تقاضای تأمین، بر مبنای ماهیت این نهاد است. این پرسش که دعوای واهی چیست و مصادیق آن کدام‌اند، به مقوله «مفهوم» بازمی‌گردد. اما این موضوع که تقاضای تأمین خسارات از سوی خواننده به استناد واهی بودن دعوا، در کدام دسته از قواعد دادرسی قرار می‌گیرد و به لحاظ آیینی چه جایگاهی دارد، ناظر بر ماهیت اعتراض به دعوای واهی است و در مقام بیان فرضیه می‌توان این گونه به آن پاسخ داد که: این اعتراض در واقع می‌تواند یک ایراد شکلی تلقی شود، یا فراتر از آن، به عنوان یک دفاع ماهوی نیز مطرح گردد. همچنان که می‌توان بدون قرار گرفتن در دایره ایرادات شکلی یا دفاعیات ماهوی، آن را به یک اقدام تأمینی و احتیاطی صرف به

۱- با وجود آنکه این موضوع در رویه قضایی کاملاً ملموس است اما به جهت پراکندگی و دشواری در دسترسی به آرای قضایی و استدلال محاکم، تلاش شده است از موارد موجود و قابل استناد از رویه قضایی در مقاله استفاده شود.

۲- «آیا تجدید نظر خواننده (خواهان بدوی) نیز میتواند پیش از ختم دادرسی مرحله تجدید نظر، جبران ضرر ناشی از تجدید نظرخواهی واهی توسط تجدید نظرخواه (خواننده بدوی) را درخواست کند؟»

پاسخ: حکم مقرر در ماده ۱۰۹ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ مبنی بر تأمین ضرر ناشی از دعوای واهی منحصر به دعوای بدوی است و تجدید نظرخواهی واهی متصور نیست و با لحاظ اصل دو درجه ای بودن رسیدگی، درخواست تجدید نظرخواه مبنی بر رسیدگی به دفاعیات وی در مرحله بالاتر را نمی‌توان دعوای واهی تلقی کرد». (برای دیدن نظر متفاوت بنگرید به: قلی‌زاده، احد، «تحلیل حقوقی تأمین دعوای واهی در امور حسبی»، مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۶، شماره ۲، (۱۳۹۵)، ص ۲۸۹.

نفع خواننده و با هدف تسهیل جبران زیان‌های وارده به وی تفسیر کرد. به عنوان فرضیه، می‌توان گفت اعتراض به واهی بودن دعوا، بیش از آنکه یک ایراد آیین دادرسی محسوب شود، نهادی مستقل است که آثار آن نیز باید در همین چارچوب مورد تحلیل قرار گیرد. بر این اساس، نوشتار پیش رو در سه محور ساماندهی شده است: ابتدا به بررسی ماهیت پرداخته شده و سپس موضوع در پرتو مقاطع دادرسی تحلیل گردیده و سرانجام آثار و پیامدهای امر در رویه قضایی مورد مطالعه قرار گرفته است.

۱. ماهیت تقاضای تأمین دعوای واهی

با وجود همه دشواری‌هایی که در مسیر شناخت ماهیت وجود دارد، این امر قابل انکار نیست که شناسایی ماهیت، تأثیر قاطعی بر آثار و احکام یک نهاد حقوقی دارد و اساساً این ماهیت است که آثار را تعیین می‌کند. با این توضیح، بخش مهمی از ماهیت تأمین دعوای واهی با اتخاذ موضع نسبت به «ایراد» بودن یا نبودن آن و نیز تعیین شکلی یا ماهوی بودنش، مشخص می‌گردد.

۱.۱. ایراد نبودن تقاضای تأمین

برخی حقوق دانان، ایرادات دادرسی را منحصر در ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی نمی‌دانند و علاوه بر موارد مندرج در آن ماده مواردی نظیر تقاضای تأمین دعوای واهی و اخذ تأمین از اتباع بیگانه را نیز ماهیتاً «ایراد» تلقی کرده‌اند.^۱ اگر نهاد موضوع بحث در زمره ایرادات دادرسی باشد، زمان طرح آن نیز تابع مواد ۸۷ و ۹۰ قانون آیین دادرسی مدنی خواهد بود.^۲ بدین توضیح که اگرچه مهلت طرح این اعتراض در ماده ۱۰۹ مشخص نشده است، «اما با توجه به غیرآمره بودن این ایراد و ماده ۸۷ ق.آ.د.م، خواننده تا پایان جلسه اول دادرسی فرصت دارد که این ایراد را مطرح کند».^۳

۱- شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، ج ۱، (تهران: دراک، ۱۳۸۴)، ص ۴۸۰.

۲- حسن زاده، مهدی، «تحلیل ضمانت اجرای مهلت طرح ایرادات دادرسی مدنی»، مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، دوره ۱۲، شماره ۲۵، (۱۴۰۰)، ص ۳۰ به بعد.

۳- السان، مصطفی و فتحی، محمدرضا، «مفهوم دعوای واهی و راهکارهای کاهش آن»، پژوهشنامه حقوق تطبیقی، دوره ۶، شماره ۱، (۱۴۰۱)، ص ۳۲.

ایراد تلقی کردن تقاضای تأمین دعوای واهی، با چند ایراد اساسی مواجه است: نخست اینکه ظاهر ماده ۸۴ و شمارش یازده بند مربوط به ایرادات دادرسی، مؤید این نکته است که ایرادات منحصر به موارد احصا شده در این ماده‌اند. این ظهور مستند به دو قرینه است؛ (۱) احصا و شماره گذاری برای ایرادات.

(۲) عبارت «در موارد زیر».

شاید اگر قانونگذار ایرادات را نمی‌شمرد و از تعبیر «در موارد زیر»، استفاده نمی‌کرد، الحاق مصادیق دیگر به این ماده راحت‌تر بود. اما در شرایط فعلی ایرادات به معنای خاص کلمه، همان‌هایی هستند که در ماده ۸۴ ذکر شده‌اند.

دوم آنکه عنوان‌بندی قانون نیز اجازه اختلاط و الحاق مصادیق جدید به ایرادات را نمی‌دهد. ماده ۸۴ ذیل عنوان «ایرادات و موانع رسیدگی» زیرمجموعه فصل سوم از باب سوم قانون آیین دادرسی مدنی است. درحالی‌که تأمین دعوای واهی ذیل عنوان «تأمین خواسته» زیرمجموعه فصل ششم از باب سوم آن قانون به‌شمار می‌رود. فاصله قابل توجهی میان ابواب و عناوین مذکور در قانون وجود دارد؛ این فاصله زیاد، پیش از هر چیز، نشان‌دهنده تمایز ماهوی میان نهادها و آثار و احکام آن‌هاست. بنابراین، چگونه و با چه منطقی می‌توان احکام فصل سوم را به فصل ششم نیز تسری داد؟

ازاین‌رو، نمی‌توان با ارائه تعریفی از ایرادات دادرسی، موارد پراکنده در قانون را که احتمالاً، مصداق تعریف تلقی می‌شوند، از حیث آثار و احکام نیز تابع نهاد ایرادات دانست. به‌ویژه آنکه قانونگذار نیز ایرادات را تعریف نکرده و صرفاً به ذکر مصادیق آن اکتفا کرده است. گفته می‌شود هر آنچه در راه رسیدگی دادگاه، مانع دائمی یا موقتی ایجاد کند، ایراد است.^۱ تقاضای تأمین دعوای واهی هم این مانع را ایجاد می‌کند، پس ایراد محسوب می‌گردد.

اشکال منطقی این استدلال، صرف‌نظر از درستی یا نادرستی تعریف، آن است که ممکن است ایجاد مانع برای رسیدگی، از عناصر اصلی در مفهوم ایراد باشد اما وصف اختصاصی (عرض خاص) و انحصاری ایرادات نیست برای نمونه، فوت و حجر اصحاب دعوا

نیز مانع رسیدگی است (ماده ۱۰۵ ق.آ.د.م) اما کسی آن را ایراد نمی‌داند و دست کم آثار و احکام ایرادات را نمی‌توان بر آن بار کرد. تقاضای تأمین برای دعوی واهی نیز دارای همین وضعیت است؛ برای رسیدگی مانع ایجاد می‌کند ولی به صرف این موضوع نمی‌توان و نباید ماهیت آن را ایراد دانست و زمان طرح آن را تابع زمان طرح ایرادات تلقی کرد. به عبارتی، ایجاد مانع برای رسیدگی، اثر ایراد است نه خود ایراد. به همین جهت است که برخی نویسندگان، ایراد آیین دادرسی را این گونه تعریف کرده‌اند: «درخواستی طاری است که از سوی هریک از دادخواهان مطرح شده و به واسطه آن، ادعایی درخصوص رسیدگی مطرح می‌شود که برحسب طبیعت خود باید پیش از ماهیت بررسی شود».^۱

۲.۱. شکلی بودن تقاضای تأمین

با اینکه دوگانه شکل و ماهیت در دانش حقوق همواره از شهرت و کارکرد نسبتاً وسیعی برخوردار بوده است اما هنوز معیار و فارق قاطعی که مرز این دو را به دقت تعیین کند وجود ندارد.^۲ برخی دادرسی‌دانان به صراحت اعلام کرده‌اند که وجه تمایز این دو مفهوم چندان روشن و واضح نیست.^۳ در هر صورت و بدون ورود به مباحث نظری در این زمینه، می‌توان از مفهوم متعارف شکلی و ماهوی برای بحث حاضر بهره گرفت. شکل دعوا به مسائلی نظیر نحوه تنظیم دادخواست، چگونگی رسیدگی دادگاه، قواعد انشای رأی، ابلاغ اوراق قضایی و مانند آن‌ها گفته می‌شود. قواعد شکلی قواعدی هستند که دادرسی به صرف استناد و اتکا به آن‌ها نمی‌تواند در موضوع دعوا اظهارنظر کرده و ذی‌حق را از بی‌حق تشخیص دهد. ایرادات موجود در نحوه تنظیم دادخواست و ابلاغ اوراق قضایی به معنای بی‌حق بودن دادخواست‌دهنده نیست؛ همان گونه که تقدیم دادخواست درست نیز ملازمه‌ای با ذی‌حق بودن خواهان ندارد. اما مسائل ماهوی، بنیان و ریشه حق موضوع دعوا

۱- محسنی، حسن و غمامی، مجید و ملک تبار فیروزجانی، هادی، «شناخت سه‌گانه آیینیک»، مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۵۰، شماره ۴، (۱۳۹۹)، ص ۷۶۹.

۲- بنگرید به: جعفری تبار، حسن، فلسفه تفسیری حقوق، (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۸)، ص ۱۲۸.

۳- کاپلتی، مورو و گارث، جی برایان، آیین دادرسی مدنی (مقدمه - سیاست‌ها، گرایش‌ها و اندیشه‌ها در آیین دادرسی مدنی)، ترجمه حسن محسنی، (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۸)، ص ۵۲.

زمان طرح تقاضای تأمین دعوی واهی در حقوق ایران (با نگاهی به رویه قضایی) | حمزه هویدا | ۱۹۷

را تشکیل می‌دهند؛ برای مثال، بررسی شرایط اساسی صحت معاملات در دعوی اعلام بطلان قرارداد، از قواعد ماهوی محسوب می‌شود؛ بررسی قضایی در این زمینه، امکان اظهارنظر درباره حق مورد نزاع را برای قاضی فراهم می‌سازد. یعنی اگر اراده یکی از طرفین عقد معیوب باشد و دادرس این امر را احراز کند، حکم به بی‌اعتباری قرارداد می‌دهد.

بنابراین، برای تشخیص شکلی یا ماهوی بودن تقاضای تأمین موضوع ماده ۱۰۹ قانون آیین دادرسی مدنی، درواقع باید به این سؤال پاسخ گفت که آیا با تقاضای تأمین، دادرس می‌تواند ذی حق را از بی حق تشخیص دهد؟ پاسخ به این پرسش، دست کم به دو دلیل، منفی به نظر می‌رسد:

اولاً به لحاظ نظری، تقاضای تأمین و نتیجه آن، ملازمه‌ای با تصمیم نهایی دادرس درخصوص دعوا ندارد. به عبارت دیگر، ممکن است دعوی خواهان واهی تشخیص داده شود و با تقاضای تأمین موافقت گردد، اما درنهایت و پس از ختم دادرسی و استماع دفاعیات طرفین، خواهان، محکوم‌له شناخته شود. به عنوان نمونه، دعوی مطالبه خسارت معنوی از سوی کارمند سابق یک سازمان به جهت قطع همکاری بی دلیل و توأم با تهمت، با ایراد نماینده حقوقی سازمان، از سوی دادرس واهی تشخیص داده شد و دادگاه از خواهان تأمین مطالبه کرد. اما درنهایت و پس از رسیدگی ماهوی، خواننده ملزم به «عذرخواهی از خواهان با درج در درگاه‌های اطلاع‌رسانی سازمان و یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار» گردید (دادنامه شماره ۱۴۰۱۲۸۳۹۰۰۳۲۰۱۲۶۲ مورخ ۱۴۰۱/۰۹/۱۲ صادره از شعبه ۶ دادگاه عمومی حقوقی همدان). همچنین این احتمال نیز وجود دارد که تقاضای تأمین از سوی خواننده مردود اعلام شود و دعوا از نظر قاضی واهی نباشد اما خواهان پس از پایان دادرسی در ماهیت دعوا شکست بخورد. مانند موردی که در دعوی مطالبه سود دوران مشارکت، خواننده به واهی بودن دعوا ایراد کند و دادگاه ایراد را نپذیرد و پس از رسیدگی، بی‌حقی خواهان در مطالبه سود به جهت بی‌اعتباری قرارداد مشارکت اثبات شود. این معنا،

در دو نظریه مشورتی، به وسیله اداره حقوقی قوه قضائیه نیز مورد پذیرش واقع شده است: «صرف محکوم شدن خواهان به بی حقی دلیل بر واهی بودن دعوای وی نمی باشد».^۱ ثانیاً تصمیم دادرس متعاقب درخواست خوانده مبنی بر اخذ تأمین از خواهان، در قالب «قرار» صادر می گردد. مطابق قانون، اگر اعتراض خوانده مورد پذیرش واقع شود، دادگاه قرار تأمین دعوای واهی صادر می کند و چنانچه خواهان تأمین خواسته شده را تودیع نکند، دادخواست با قرار رد مواجه خواهد شد. بدیهی است که «قرار» رأیی است که دادرسان، صرف نظر از ماهیت دعوا و با ملاحظه موارد شکلی صادر می کنند. اگر تقاضای تأمین دعوای واهی، ماهوی بود، تصمیم در مورد آن نیز باید در قالب «حکم» صادر می شد نه قرار (ماده ۲۹۹ قانون آیین دادرسی مدنی).^۲

علاوه بر آنچه گفته شد، احراز واهی بودن دعوا، از اساس، نیازی به رسیدگی ماهوی ندارد. یکی از مصادیق عمده دعوای واهی «عدم قابلیت تحقق جنبه موضوعی دعوا» است.^۳ دعوایی واهی محسوب می شود که موضوع آن قابل تحقق نباشد. به عنوان مثال اگر شخصی ۳۰ ساله دعوای اثبات نسب اقامه کند و در آن دعوا ادعای ابوت نسبت به فردی ۴۵ را مطرح کند، دعوای او واهی و بی اساس تلقی خواهد شد چراکه عقلاً تحقق چنین موضوعی امکان پذیر نیست. احراز واهی بودن دعوا در این مثال، نیازی به رسیدگی ماهوی ندارد؛ حتی اگر دادرس ادعاهای مطروحه را، بدون رسیدگی، درست فرض کند، بازهم رأی به واهی بودن دعوا خواهد داد. همین فرایند در مورد دعوای بی دلیل^۴ و دعوایی که فاقد اثر قانونی باشد نیز وجود دارد.

۱- نظریه شماره ۷/۹۵/۲۱۲۲-۱۳۹۵/۰۸/۲۴ و نیز نظریه شماره ۷/۹۸/۱۹۷۱-۹۸/۱۲/۲۴.

۲- این ایراد در خصوص بندهای ۷ و ۸ ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی نیز وجود دارد. ایراد به نداشتن اثر قانونی دعوا حتی با فرض ثبوت و نیز ایراد به نامشروع بودن مورد دعوا، به ماهیت بازمی گردند درحالی که به موجب ماده ۸۹ همان قانون دادرس باید در مورد آن ها «قرار» صادر کند. این دیدگاه وجود دارد که قانونگذار در بندهای مذکور، دفاع شکلی و ماهوی را با یکدیگر خلط کرده است (برای تفصیل بیشتر، بنگرید به: مولودی و حمزه هویدا، «دفاع شکلی در دادرسی مدنی»، دیدگاه های حقوق قضایی، دوره ۲۳، شماره ۸۲، (۱۳۹۷)، ص ۲۵۵).

۳- بهرامی و السان، «ضوابط شناسایی دعوای واهی در حقوق ایران و انگلیس»، پژوهش های حقوق تطبیقی، دوره ۲۶، شماره ۲، (۱۴۰۱)، ص ۳۲.

۴- باید توجه داشت که اولاً در بسیاری از موارد حتی اگر در دادخواست به هیچ دلیلی استناد نشده باشد، بازهم امکان مبنا قرار گرفتن اقرار و یا سوگند برای صدور رأی منتفی نخواهد بود و ثانیاً برای واهی تلقی شدن دعوا فقدان دلیل

یعنی بدون رسیدگی ماهوی و با مفروض تلقی کردن ارکان دعوا می‌توان به این نتیجه رسید که این دعوای بی‌مایه و واهی هستند. در نتیجه، برای تشخیص دعوای واهی مواجهه دادرس با مؤلفه‌های ماهوی پرونده کاملاً شکلی و فرضی است. بدین معنا که ماهیت دعوا مورد «رسیدگی» قرار نمی‌گیرد بلکه مفروض تلقی می‌گردد و همین امر موجب می‌شود تا رسیدگی به ایراد دعوای واهی شکلی باشد نه ماهوی.

۲. ویژه و استثنایی بودن تقاضای تأمین

ضرورت جبران خسارات ناشی از طرح دعوای واهی بر کسی پوشیده نیست و در این راستا، نظام‌های حقوقی تلاش می‌کنند تا هزینه طرح دعوای بیهوده و ایدایی را بالا ببرند.^۱ ماده ۳۲-۱ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه (اصلاحی ۲۰۰۵)، طرح دعوای توأم با سوءاستفاده و همراه با قصد اطاله دادرسی را مستحق جریمه سه هزار یورویی و جبران ضرر و زیان اعلام کرده است. در حقوق انگلستان نیز براساس ماده ۴-۳ از قواعد آیین دادرسی مدنی، دادگاه پس از بررسی و احراز واهی بودن دعوا، پرونده را از مسیر رسیدگی خارج می‌کند.^۲ با این شیوه، دادگاه درگیر رسیدگی به دعوای واهی نمی‌شود و زمینه برای تحقق زیان و به تبع آن، جبران خسارات مربوطه از بین می‌رود.^۳ همین وضعیت در حقوق ایالات متحده آمریکا نیز به چشم می‌خورد؛ یعنی پیشی‌بینی جریمه دولتی و لزوم جبران خسارت

ضروری نیست بلکه استناد به ادله ضعیف، نامربوط و غیرمحمّل (نظیر اقرار و سوگند) نیز می‌تواند به عنوان یکی از معیارهای تشخیص دعوای واهی در نظر گرفته شود (السان و بهرامی، پیشین، ص ۳۴ به بعد و بهرامی، دعوای واهی؛ مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، انگلیس و آمریکا (با تأکید بر رویه قضایی)، (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۴۰۳)، ص ۷۲ به بعد).

۱- بهرامی و السان، «جایگاه تقصیر و سوءنیت در مطالبه خسارات ناشی از دعوای واهی»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۷، شماره ۱۲۳، (۱۴۰۲)، ص ۵۰.

2- Jolowicz, John Anthony, *Cambridge studies in International and Comparative Law (On Civil Procedure)*, (New York, Cambridge University Press, 2000), p. 363.

3- Loughlin, paula and Gerils, Stephen, *Civil procedure*, 2 ed, (London, cavendish, 2004), p. 365, Grainger, Ian, *the civil procedure rules in action*, Cavendish Publishing, (London, Sydney, 2000), p. 28.

به نفع خواننده^۱. علاوه بر آن، در حقوق این کشور برای وکیلی که با علم به واهی بودن دعوا نسبت به طرح آن اقدام کرده، تخلف انتظامی در نظر گرفته شده است.^۲ چنان که ملاحظه می شود پیشگیری و مقابله با طرح دعوای واهی، دغدغه ای مشترک در اغلب نظام های حقوقی به شمار می رود. این مقابله، از منظر فنی، عمدتاً به دو شیوه صورت می پذیرد:

۱. ردّ دعوای واهی و محکومیت خواهان به خسارات وارد شده به خواننده و نیز اعمال جریمه دولتی.

۲. تعلیق و توقف رسیدگی و مشروط شدن ادامه دادرسی به سپردن تأمین ازسوی خواهان.

در هر دو حالت، اصل پذیرش و استماع دعوا با محدودیت مواجه خواهد شد.^۳ اصل و قاعده آن است که دادگستری در دسترس همگان باشد و دعوای شهروندان را استماع کند. اگر در پایان دادرسی مشخص شد که خواهان، حقی در پرونده ندارد، با تصمیم نهایی دادگاه، محکوم به بی حقی خواهد شد. اما از ابتدا نمی توان و نباید بر سر راه استماع دعوا سنگ اندازی کرد. با این توضیح، ایراد به واهی بودن دعوا و توقف دادرسی به این علت، مخالف اصل به شمار می رود. از این جهت، نهاد مزبور کاملاً استثنایی تلقی می شود و تاب توسعه و تفسیرهای گسترده را ندارد. بنابراین، در پذیرش ایراد دعوای واهی باید به قدر متیقن اکتفا کرد؛ نمی توان به خواهان نیز اجازه داد تا برای پاسخ در برابر دفاعیات واهی خواننده از او تأمین بخواهد. زیرا این نهاد صرفاً درخصوص دعوای واهی است و شامل دفاعیات واهی نمی شود.^۴ چنان که توسعه این نهاد به مرحله تجدیدنظر نیز جایز

1- katz, Avery, "The effect of frivolous lawsuits on the settlement of litigation," International Review of Law and Economics, vol. 10(1), (1990), p. 14.

۲ - به نقل از السان و فتحی، «مفهوم دعوای واهی و راهکارهای کاهش آن»، پژوهشنامه حقوق تطبیقی، دوره ۶، شماره ۱، (۱۴۰۱)، ص ۲۷. همچنین بنگرید به: بهرامی و السان، «جریمه مالی دعوای واهی»، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۱۵، شماره ۱، (۱۴۰۳)، ص ۴۷ به بعد.

3- Perry, Ronen, "Crowdfunding Civil Justice," Boston College Law School, 59, (2018), p. 1361.

۴- مگر در مواردی که دفاعیات مزبور در قالب دعوای متقابل مطرح شوند.

نیست؛ برای نمونه اگر تجدیدنظرخواه از حکم مستند به اقرار، تجدیدنظرخواهی کرده باشد (موضوع تبصره ماده ۳۳۱ قانون آیین دادرسی مدنی)، نمی‌توان برای استماع دعوا از او تأمین گرفت. همچنین است فرجام‌خواهی از حکم مستند به اقرار یا سوگند (موضوع ماده ۳۶۹ قانون آیین دادرسی مدنی).

اعتراض به واهی بودن دعوا، صرفاً در حدود قانون و ناظر به مصادیق مسلم است و اختصاص به خوانده در دعوی بدوی دارد. توسعه آن، چه از جهت اشخاص، چه از حیث موضوع و چه از لحاظ زمانی، به دلیل مخالفت با اصل استماع دعوا، با ایراد اساسی مواجه خواهد شد. از همین رو، ایراد به واهی بودن دعوا را نمی‌توان از حیث زمانی مطلق دانست و آن را در تمامی مقاطع و مراحل دادرسی پذیرفت.

تقاضای تأمین و مقطع دادرسی آن

اعتراض به واهی بودن دعوا، به عنوان یک واکنش حقوقی، ناگزیر در بستر مقاطع دادرسی مطرح می‌شود و چنان که روشن است، مقطع دادرسی بازه‌ای زمانی در دل یک مرحله از فرایند قضایی است.^۱ از زمان تقدیم دادخواست تا جلسه رسیدگی، تا آغاز و پایان جلسه رسیدگی، ختم مذاکرات، ختم دادرسی و نهایتاً صدور رأی از جمله عمده ترین مقاطع در مرحله نخستین دادرسی به شمار می‌آیند. اگرچه تقسیم دادرسی به «قطعه» و «مرحله» مورد تصریح قانونگذار قرار نگرفته است، اما اشاره به مقاطع مزبور در مواد قانونی و تعیین حقوق و تکالیف خاص طرفین در هر مقطع، به خوبی مؤید این نکته است که هر عملی را نمی‌توان در هر مقطعی انجام داد.

ماده ۱۰۹ ق.آ.د.م به گونه‌ای تنظیم شده که ایراد و اعتراض به واهی بودن دعوا و متعاقباً تقاضای تأمین به منظور ادامه رسیدگی، در بدوی‌ترین مقاطع دادرسی قرار گرفته است. همان گونه که گفته شد، ضمانت اجرای ندادن تأمین از سوی خواهان، صدور قرار «ردّ دادخواست» به درخواست خوانده است. قانونگذار می‌توانست «قرار ردّ دعوا» را به عنوان جزای نسپردن تأمین مقرر کند، اما مرکز ثقل توجه قانونگذار، دادخواست است نه دعوا.

۱- شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، ج ۲، (تهران: دراک، ۱۳۸۵)، ص ۱۶۱.

متن ماده و توجه به ضمانت اجرای مذکور در آن، به‌خوبی نشان می‌دهد که اعتراض به واهی بودن دعوا، مربوط به مقطع تقدیم دادخواست تا پیش از ورود به «دعوا» است. اگر دادرس وارد رسیدگی به دعوا و بررسی شرایط شکلی و ماهوی آن شد، دیگر نمی‌تواند و نباید قرار ردّ دادخواست صادر کند. در این مقطع، اگر شرایط قانونی اقامه دعوا به‌درستی رعایت نشده باشد، باید اقدام به صدور قرار ردّ دعوا یا حکم به بی‌حقی کرد. در هر صورت، گذر از مقطع بررسی دادخواست، به معنای تأیید آن تلقی می‌شود و ردّ بعدی دادخواست فاقد توجیه حقوقی خواهد بود.

درواقع، یکی از مهم‌ترین آثاری که بر مقاطع دادرسی و جدا کردن آن‌ها از یکدیگر مترتب می‌شود، ترتیب و ترتب مقاطع است. با این توضیح که تا پیش از پایان یافتن هر مقطعی، مقطع بعدی آغاز نمی‌شود و مهم‌تر آنکه با پایان یافتن هر مقطع از دادرسی، بازگشت به آن اصولاً غیرممکن خواهد شد؛^۱ یعنی، اگر در اولین جلسه دادرسی خواهان و خوانده ایرادات شکلی خود را مطرح نکنند و وارد ماهیت شوند، دیگر نمی‌توانند خود را در موقعیتی نظیر جلسه اول فرض کنند و به دفاع شکلی و مطالبه اصول اسناد طرف مقابل بپردازند. چنان‌که در بند ۱-۹ اصول آیین دادرسی مدنی فراملی نیز برای دادرسی سه مقطع در نظر گرفته شده است: مقطع مقدماتی، مقطع میانی و مقطع نهایی. نحوه چینش این مقاطع، وجود ترتیب بین آن‌ها را به‌خوبی تأیید می‌کند.^۲

تقدم مقطع شکلی بر رسیدگی ماهوی، منطق روشن و مبنای قابل قبولی دارد و بدین جهت قانونگذار ایرانی در ماده ۸۸ ق.آ.د.م بدان اشاره کرده است: «دادگاه قبل از ورود در ماهیت دعوا، نسبت به ایرادات و اعتراضات وارده اتخاذ تصمیم می‌نماید. در صورت مردود شناختن ایراد، وارد ماهیت دعوا شده رسیدگی خواهد نمود». باتوجه به همین اصل است که در ماده ۷۴ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه، دفاع شکلی پس از ورود به ماهیت قابل استماع دانسته نشده است. در حقوق ایران نیز به عقیده برخی نویسندگان، بازگشت‌ناپذیری مقطع شکلی و

۱- نهرینی، فریدون، آیین دادرسی مدنی، ج ۳، (تهران: گنج دانش، ۱۴۰۰)، ص ۷۲ و ۱۴۱.

۲- غمامی، مجید و محسنی، حسن، آیین دادرسی مدنی فراملی، (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۴۰۱)، ص ۱۱۸.

تقدم زمانی آن بر مقطع ماهوی تا جایی است، که حتی ایراد به صلاحیت ذاتی را هم پس از ورود به ماهیت نباید شنید و به آن ترتیب اثر داد.^۱

قرار ردّ دادخواست پیش‌بینی شده در ماده ۱۰۹، تأمین دعوای واهی را در مقطع تقدیم دادخواست تا نخستین جلسه رسیدگی قرار داده است. با این وصف، بررسی شرایط دادخواست و رفع نقص احتمالی از آن و نیز پذیرش صلاحیت ازسوی دادگاه و ابلاغ دادخواست به خوانده، بازه‌های زمانی مربوط به دادخواست محسوب می‌شوند. صرفاً در همین بازه است که امکان طرح ایراد دعوای واهی وجود دارد. گذر از این مقطع، امکان صدور قرار ردّ دادخواست و تبعاً هر ایراد و اعتراضی را که متوجه دادخواست باشد، سلب می‌کند. از این مقطع به بعد، طرفین با «دعوا» مواجه هستند؛ خوانده به آن ایراد می‌گیرد و خواهان از آن دفاع می‌کند. دادرسی نیز با فارغ شدن از بررسی دادخواست، درمورد دعوا تصمیم می‌گیرد. بنابراین، پس از گذر از بازه‌های زمانی مربوطه و در شرایطی که دادگاه به بررسی شکلی دادخواست پرداخته، وقت رسیدگی تعیین شده و جلسه رسیدگی نیز تشکیل گردیده و دادگاه وارد ماهیت دعوی شده است، دیگر نمی‌توان اقدام به صدور قرار تأمین دعوای واهی کرد. چراکه با ورود به ماهیت، فرصت بررسی شرایط «دادخواست» و «ردّ دادخواست» منقضی شده است.^۲

۱- نهرینی، فریدون، *آیین دادرسی مدنی*، ج ۱ (بخش اول)، (تهران: گنج دانش، ۱۴۰۰)، ص ۱۸۰ و برای دیدن نظر مخالف درخصوص صلاحیت ذاتی بنگرید به: افتخار جهرمی، گودرز و السان، مصطفی، *آیین دادرسی مدنی*، ج ۳، (تهران: میزان، ۱۴۰۱)، ص ۳۹.

۲- برخی محاکم این ضیق زمانی را در طرح ایراد به واهی بودن دعوا نپذیرفته‌اند. به عنوان نمونه شعبه ۱۵ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان همدان، پس از تشکیل جلسه و استماع دفاعیات ماهوی، مبادرت به صدور قرار تأمین دعوای واهی کرده و در اعتراض به اینکه ایراد مزبور خارج از مقطع تقدیم دادخواست و غیرقابل پذیرش است، بیان داشته: «هنگام بررسی شرایط دادخواست، خوانده‌ای که هنوز دادخواست و ضمایم به وی ابلاغ نشده و اطلاعی از مفاد دادخواست ندارد، اساساً قادر به طرح درخواست تأمین دعوی واهی نمی‌باشد تا متعاقباً دادگاه درخصوص واهی بودن یا نبودن دعوی اظهارنظر نماید، و قاعدتاً طرح درخواست ازسوی خوانده مستلزم تعیین وقت رسیدگی و ابلاغ دادخواست و ضمایم آن به ایشان است و منعی نیز درخصوص طرح درخواست مذکور در جلسه دادرسی وجود ندارد و در قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی تعیین نگردیده است که خوانده تا چه زمانی می‌تواند درخواست تأمین دعوی واهی مطرح نماید» (دادنامه شماره 140328390001779891 مورخ ۱۴۰۳/۰۵/۰۹). این

ممکن است ایراد شود که اگر دادگاه تشخیص داد، دعوا فاقد دلیل است یا اساس حکمی درستی ندارد، وارد ماهیت شده و دیگر نمی‌تواند متعاقب صدور قرار تأمین دعوای واهی، دادخواست خواهان را با قرار رد مواجه کند؛ تصمیم مقتضی پس از ورود به ماهیت، صدور حکم است نه قرار. این دیدگاه از جهت رعایت چارچوب‌های حکم و قرار کاملاً قابل تأیید است. با این حال، باید توجه داشت که در موضوع مورد بحث، دادگاه صرفاً با بررسی ظاهر دادخواست به این نتیجه می‌رسد که دعوا بی‌دلیل است و اساس حکمی ندارد. در این حالت، اگرچه دادگاه ماهیت را از روی ظاهر دادخواست لمس می‌کند، اما نتیجه‌گیری او چیزی متفاوت با نتیجه حاصل از «رسیدگی ماهوی» است. به عبارتی، واهی بودن دعوای بی‌دلیل و فاقد مبنای حکمی از روی دادخواست تشخیص داده می‌شود و این تشخیص مستلزم رسیدگی ماهوی نیست.

۴. توالی فاسد و اشکالات عملی

علاوه بر ملاحظات نظری در زمینه زمان طرح ایراد به واهی بودن دعوا، از حیث عملی نیز، قائل نشدن به محدوده زمانی برای طرح ایراد دعوای واهی و مطلق دانستن آن، دست کم، متضمن سه اشکال خواهد بود:

الف) اینکه قاضی پس از استماع اظهارات ماهوی طرفین و رسیدگی به ماهیت دعوا، با صدور قرار تأمین دعوای واهی از خواهان تأمین بخواهد، به نوبه خود، گونه‌ای اظهار نظر پیش از صدور رأی به نظر می‌رسد. البته همان‌طور که گفته شد، تشخیص دادگاه در خصوص واهی بودن دعوا، ملازمه‌ای با تصمیم و رأی دادگاه در مورد اصل پرونده ندارد. اما تأکید بحث بر روی این نکته است که واهی تشخیص دادن دعوا پس از استماع دفاعیات ماهوی، قرینه تقریباً قاطعی است که می‌توان بر اساس آن نظر نهایی دادرس در ماهیت پرونده را پیش‌بینی کرد. بر این اساس است، اگر دادرس پس از شنیدن ماهیت دعوا به این نتیجه برسد که دعوای خواهان بی‌اساس و واهی است؛ اصول دادرسی، اقتضا می‌کند که تصمیم ماهوی (حکم) صادر شود. در چنین

استدلال علاوه بر مخالفتی که با اصول دادرسی دارد، از آن جهت ناقص است که متقاضی تأمین دعوای واهی از لحظه ابلاغ دادخواست تا قبل از شروع رسیدگی، می‌تواند با ارسال لایحه مراتب اعتراض و تقاضای خود را به دادگاه اعلام کند و بدیهی است که دادگاه نیز فرصت و امکان بررسی چنین تقاضایی را خواهد داشت.

شرایطی، صدور قرار تأمین، شباهت زیادی به اظهارنظر پیش از صدور حکم دارد؛ امری که از یک سو برای قاضی تخلف انتظامی محسوب می شود (بند ۹ ماده ۱۴ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰) و از سوی دیگر، مطابق بند ۹۱ ماده ۹۱ قانون آیین دادرسی مدنی، از موجبات رد دادرس به شمار می آید.^۱

ب) یکی از توالی فاسد عدم رعایت موعد در تأمین دعوای واهی آن است که چنانچه قاضی پس از ورود به ماهیت دعوا نیز مجاز به پذیرش درخواست تأمین باشد، به نوعی نتیجه کلی دعوا مشخص است و درواقع دادگاه مفاد رأی را پیش از کتابت و صدور آن ابلاغ کرده است. طبیعی است، خواهانی که با وصف ورود به ماهیت و تبیین خواسته، پس از شنیدن دفاعیات خواننده ازسوی دادگاه خود را مواجه با چنین قراری بباید، تودیع خسارت را اتلاف مال تلقی می کند و از واریز خسارت احتمالی خودداری خواهد کرد؛ چراکه تصمیم دادرس را اتخاذشده و تکلیف پرونده را تعیین شده می یابد. دادرسی که پیش از ورود به ماهیت، دعوا را واهی تشخیص می دهد، این احتمال همواره وجود دارد که پس از استماع اظهارات ماهوی خواهان و دفاعیات خواننده، به نتیجه ای غیر از آنچه در ابتدا اعلام کرده، دست یابد. اما چگونه ممکن است کسی که پس از ورود به ماهیت، دعوا را واهی تشخیص داده، متعاقب سپردن تأمین، نظرش تغییر کند؟!

ج) در چنین موقعیتی نتیجه دعوا از دو حال خارج نیست: نخست اینکه خواهان تأمین مورد نظر دادگاه را تودیع کند که در این صورت، باتوجه به استماع پیشین اظهارات ماهوی و واهی دانستن دعوا به وسیله دادرس، به احتمال بسیار زیاد، خواهان در ماهیت محکوم خواهد شد. دوم آنکه خواهان تأمین خواسته شده را ندهد. در این وضعیت براساس ماده

1- بند ۹ ماده ۱۴ قانون نظارت بر رفتار قضات: «اعلام نظر ماهوی قاضی پیش از صدور رأی».

بند ۹ ماده ۹۱ قانون آیین دادرسی مدنی: «دادرس سابقاً در موضوع دعوای اقامه شده به عنوان دادرس یا داور یا کارشناس یا گواه اظهارنظر کرده باشد». هر دو مقرر مذکور، اظهارنظر ماهوی قبل از صدور رأی (اعم از حکم و قرار) را به ترتیب، تخلف انتظامی و موجب رد دادرس اعلام کرده اند. اظهارنظری که پس از استماع دفاعیات ماهوی درخصوص دعوای مطروحه و واهی بودن آن به عمل می آید، ماهوی است.

۱۰۹ قانون آیین دادرسی مدنی، دادخواست وی با قرار رد مواجه می‌گردد.^۱ بدیهی است در چنین شرایطی، منافع خواهان ایجاب می‌کند که تأمین مورد نظر را ندهد تا متعاقب ردّ دادخواست، با تجدید دعوا و تدارک نقاط ضعف قبلی مجدداً به مخاصمه برخیزد. ملاحظه می‌شود که تصمیم نابه‌هنگام و خارج از مهلت دادگاه درخصوص تأمین دعوای واهی، اگرچه ممکن است در بدو امر به نفع خواننده تلقی شود، اما درنهایت منافع خواننده را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد و به ضرر او تمام می‌شود؛ زیرا خواهان را در موقعیتی قرار می‌دهد تا بدون آنکه با ایراد اعتبار امر قضاوت شده مواجه گردد، بتواند با تجدید قوا نسبت به طرح دوباره دعوا اقدام کند.

۵. نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش به شرح زیر ارائه می‌گردد:

۱. برخلاف رویه جاری در برخی محاکم، نمی‌توان به متن ماده ۱۰۹ ق.آ.د.م اعتماد کرد و اعتراض به واهی بودن دعوا را بی‌زمان دانست. ماده ۱۰۹ علاوه بر متن، بطن هم دارد و توجه به باطن و اصول حقوقی منعکس در این ماده، زمان‌دار بودن این نهاد را به‌خوبی توجیه و تقویت می‌کند.
۲. ضمانت اجرای مقرر در ماده ۱۰۹، نشان می‌دهد که مقطع خاصی از دادرسی در تنظیم این ماده مورد توجه قانونگذار بوده است و از این جهت هرگونه تفسیر و تحلیل از دعوای واهی باید در پرتو مقاطع دادرسی انجام گیرد.
۳. در صورتی که خواهان تأمین خواسته شده را تودیع نکند، دادگاه مبادرت به صدور «قرار ردّ دادخواست» می‌کند. نوع و قالب تصمیم نهایی دادگاه، به‌خوبی مؤید این موضوع است که ایراد به واهی بودن دعوا و تقاضای تأمین خسارات، تنها در مقطع بررسی دادخواست و پیش از ورود به دعوا قابل طرح است.

۱- البته قرار ردّ مذکور، قابل تجدیدنظرخواهی است و خواهان می‌تواند در این مقام به واهی نبودن دعوای خود اعتراض کند. درواقع، عدم ابداع تأمین ازسوی خواهان ازجمله می‌تواند بدین جهت باشد که او دعوای خود را واهی نمی‌داند. در هر صورت، این حقّ آیینی برای خواهان وجود دارد که تأمین ندهد و برای واهی نبودن دعوای خود نیز از قرار ردّ دادخواست صادره تجدیدنظرخواهی کند.

زمان طرح تقاضای تأمین دعوای واهی در حقوق ایران (با نگاهی به رویه قضایی) | حمزه هویدا | ۲۰۷

باتوجه به خلاف اصل بودن نهاد دعوای واهی و وجود برخی اشکالات عملی، نمی‌توان گستره زمانی وسیعی برای استفاده از این نهاد متصور بود. درواقع، اصول دادرسی نیز اقتضای تفسیر مضیق از تأمین دعوای واهی را دارند و بر همین اساس، این حق خواننده باید در نخستین مقاطع و نزدیک‌ترین بازه‌های زمانی باید مورد استناد و استفاده قرار گیرد. گذر از مقطع دادخواست و ورود به دعوا، حق خواننده را در تقاضای تأمین زائل می‌سازد. به‌طور مشخص، نتیجه روشن و عینی پژوهش حاضر آن است که دادگاه پس از عبور از مقطع بررسی دادخواست، نمی‌تواند تقاضای تأمین دعوای واهی را بپذیرد.

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

ORCID

Mahdi Hamze Howeyda



<https://orcid.org/0000-0002-7766-1750>

منابع

کتاب فارسی

- افتخار جهرمی، گودرز و السان، مصطفی، آیین دادرسی مدنی، ج سوم، چاپ دوم، (تهران: میزان، ۱۴۰۱).
- بهرامی، احسان، دعوای واهی؛ مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، انگلیس و آمریکا (با تأکید بر رویه قضایی)، چاپ اول، (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۴۰۳).
- جعفری تبار، حسن، فلسفه تفسیری حقوق، (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۸).
- شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، جلد نخست، چاپ هشتم، (تهران: دراک، ۱۳۸۴).
- شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، چاپ دهم، (تهران: دراک، ۱۳۸۵).
- شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، جلد سوم، چاپ هفتم، (تهران: دراک، ۱۳۸۵).
- غمامی، مجید و محسنی، حسن، آیین دادرسی مدنی فراملی، چاپ ششم، (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۴۰۱).
- کاپلتي، مورو و گارث، جی برایان، آیین دادرسی مدنی (مقدمه - سیاست‌ها، گرایش‌ها و اندیشه‌ها در آیین دادرسی مدنی)، ترجمه حسن محسنی، (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۸).

- محسنی، حسن، *آیین دادرسی مدنی فرانسه*، چاپ دوم، (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۱).
- متین دفتری، احمد، *آیین دادرسی مدنی و بازرگانی*، ج ۲، چاپ ششم، (تهران: مجد، ۱۴۰۲).
- مهاجری، علی، *دوره جدید مبسوط در آیین دادرسی مدنی*، چاپ دوم، (تهران: فکرسازان، ۱۴۰۲).
- نوبخت، یوسف، *نگاهی به آیین دادرسی مدنی*، چاپ اول، (تهران: راد نواندیش، ۱۳۹۳).
- نهرینی، فریدون، *آیین دادرسی مدنی*، جلد نخست (بخش اول)، چاپ سوم، (تهران: گنج دانش، ۱۴۰۰).
- نهرینی، فریدون، *آیین دادرسی مدنی*، جلد سوم، چاپ دوم، (تهران: گنج دانش، ۱۴۰۰).
- یوسف زاده، مرتضی، *آیین دادرسی مدنی*، چاپ سوم، (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۴).

مقالات فارسی

- السان، مصطفی و فتحی، محمدرضا، «مفهوم دعوای واهی و راهکارهای کاهش آن (با تاکید بر رویه قضایی ایران و مطالعه تطبیقی در حقوق ایالات متحده امریکا)»، *پژوهشنامه حقوق تطبیقی*، دوره ۶، شماره ۱، (۱۴۰۱). شناسه مقاله: [10.22080/lps.2022.23469.1333](https://doi.org/10.22080/lps.2022.23469.1333)
- بهرامی، احسان و السان، مصطفی، «ضوابط شناسایی دعوای واهی در حقوق ایران و انگلیس؛ مقدمه‌ای جهت صدور قرار تأمین و رد دعوا»، *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، دوره ۲۶، شماره ۲، (۱۴۰۱). شناسه مقاله: [20.1001.1.22516751.1401.26.2.4.8](https://doi.org/20.1001.1.22516751.1401.26.2.4.8)
- بهرامی، احسان و السان، مصطفی، «جایگاه تقصیر و سوءنیت در مطالبه خسارات ناشی از دعوای واهی؛ مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و آمریکا»، *مجله حقوقی دادگستری*، دوره ۸۷، شماره ۱۲۳، (۱۴۰۲). شناسه مقاله: [10.22106/jlj.2023.1983303.5119](https://doi.org/10.22106/jlj.2023.1983303.5119)
- بهرامی، احسان و السان، مصطفی، «جریمه مالی دعوای واهی؛ مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و آمریکا»، *مطالعات حقوق تطبیقی*، دوره ۱۵، شماره ۱، (۱۴۰۳). شناسه مقاله: [10.22059/jcl.2023.366843.634568](https://doi.org/10.22059/jcl.2023.366843.634568)
- حسن زاده، مهدی، «تحلیل ضمانت اجرای مهلت طرح ایرادات دادرسی مدنی»، *مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*، دوره ۱۲، شماره ۲۵، (۱۴۰۰). شناسه مقاله: [10.22034/law.2021.46422.2923](https://doi.org/10.22034/law.2021.46422.2923)
- قلی زاده، احد، «تحلیل حقوقی تأمین دعوای واهی در امور حسبی»، *مطالعات حقوق خصوصی*، دوره ۴۶، شماره ۲، (۱۳۹۵). شناسه مقاله: [10.22059/jlq.2016.58410](https://doi.org/10.22059/jlq.2016.58410)

زمان طرح تقاضای تأمین دعوی واهی در حقوق ایران (با نگاهی به رویه قضایی) | حمزه هویدا | ۲۰۹

- محسنی، حسن، غمامی، مجید و ملک تبار فیروزجایی، هادی، «شناخت سه گانه آیینیک (عدم پذیرش، ایرادات آیین دادرسی و دفاع ماهوی)»، *مطالعات حقوق خصوصی*، دوره ۵۰، شماره ۴، (۱۳۹۹). شناسه مقاله: [10.22059/jlq.2020.260665.1007058](https://doi.org/10.22059/jlq.2020.260665.1007058)

- محسنی، حسن و ملک تبار فیروزجایی، هادی، «نگاهی تطبیقی به مفهوم و مصداق ایرادات آیین دادرسی در حقوق ایران و فرانسه»، *پژوهشنامه حقوق تطبیقی*، دوره ۵، شماره ۱، (۱۴۰۰). شناسه مقاله: [10.22080/lps.2021.19927.1197](https://doi.org/10.22080/lps.2021.19927.1197)

- مولودی، محمد و حمزه هویدا، مهدی، «دفاع شکلی در دادرسی مدنی»، *دیدگاه‌های حقوق قضایی*، دوره ۲۳، شماره ۸۲، (۱۳۹۷). شناسه مقاله: https://jlvviews.ujsas.ac.ir/article_703532.html

- نظام‌الملکی، جعفر و جهانشاهلو، معصومه، «قابلیت اخذ هم‌زمان تأمین دعوی واهی و تأمین اتباع بیگانه در حقوق ایران: با نگاهی به رویه قضایی»، *مطالعات حقوقی*، دوره ۱۳، شماره ۱، (۱۴۰۰). شناسه مقاله: [10.22099/jls.2020.34924.3617](https://doi.org/10.22099/jls.2020.34924.3617)

Refrennces

Books:

- Grainger, Ian and Fealy, Michael and Spencer, Martin, *the civil procedure rules in action*, (London: Cavendish Publishing, 2000)
- Jolowicz, John Anthony, *Cambridge studies in International and Comparative Law (On Civil Procedure)*, (New York: Cambridge University Press, 2000)
- Loughlin, Paula and Gerils, Stephen, *Civil procedure*, 2 ed, (London: cavendish, 2004)
- Uzelac, Alan, *goals of civil justice and civil procedure in contemporary judicial systems*, (Switzerland: Springer, 2014).

Articles:

- Katz, Avery, (1990), "The effect of frivolous lawsuits on the settlement of litigation," *International Review of Law and Economics*, vol. 10(1), (1990). [https://doi.org/10.1016/0144-8188\(90\)90002-B](https://doi.org/10.1016/0144-8188(90)90002-B)

- Perry, Ronen, "Crowdfunding Civil Justice" Boston College Law School, 59, (2018). <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3041129>

In Persia

Books:

- Bahrami, Ehsan. *Frivolous Litigation; A Comparative Study in Iranian, English, and American Law (With an Emphasis on Jurisprudence)*. (Tehran: Sahami Enteshar Publishing Company, 2024).
- Cappelletti, Mauro & Garth, J. Brian. *Civil Procedure (Introduction – Policies, Trends, and Ideas in Civil Procedure)*. Translated by Hassan Mohseni. (Tehran: Sahami Enteshar Publishing Company, 2019).
- Eftekhār Jahromi, Goodarz & Al-San, Mostafā. *Civil Procedure*. Vol. 3. (Tehran: Mizān, 2022).
- Ghamami, Majid & Mohseni, Hassan. *Transnational Civil Procedure*. (Tehran: Sahami Enteshar Publishing Company, 2022).
- Jafari Tabar, Hassan. *The Interpretive Philosophy of Law*. (Tehran: Sahami Enteshar Publishing Company, 2009).
- Mohajeri, Ali. *New Comprehensive Course on Civil Procedure*. (Tehran: Fekrsāzān, 2023).
- Matin Daftari, Ahmad. *Civil and Commercial Procedure*. Vol. 2. (Tehran: Majd, 2023).
- Mohseni, Hassan. *French Civil Procedure*. (Tehran: Sahami Enteshar Publishing Company, 2012).
- Nahreini, Fereydoon. *Civil Procedure*. Vol. 1 - Part 1. (Tehran: Ganj-e Danesh, 2021).
- Nahreini, Fereydoon. *Civil Procedure*. Vol. 3. (Tehran: Ganj-e Danesh, 2021).
- Nobakht, Yousef. *A Look at Civil Procedure*. (Tehran: Rād Novandish, 2014).

- Shams, Abdullah. *Civil Procedure*. Vol. 1. (Tehran: Dārak, 2005).
- Shams, Abdullah. *Civil Procedure*. Vol. 2. (Tehran: Dārak, 2006).
- Shams, Abdullah. *Civil Procedure*. Vol. 3. (Tehran: Dārak, 2006).
- Yousefzadeh, Morteza. *Civil Procedure*. (Tehran: Sahami Enteshar Publishing Company, 2015).

Articles:

- Bahrami, Ehsan & Elsan, Mostafā. "Financial Penalty for Frivolous Litigation; A Comparative Study in Iranian and American Law." *Comparative Law Studies*, vol. 15, no. 1, (2024). DOI: 10.22059/jcl.2023.366843.634568
- Bahrami, Ehsan & Elsan, Mostafā. "The Criteria for Identifying Frivolous Litigation in Iranian and English Law; An Introduction to Issuing Security for Costs and Dismissal Orders." *Comparative Law Research*, vol. 26, no. 2, (2022). DOI: 20.1001.1.22516751.1401.26.2.4.8
- Bahrami, Ehsan & Elsan, Mostafā. "The Position of Fault and Bad Faith in Claiming Damages Arising from Frivolous Litigation; A Comparative Study in Iranian and American Law." *Judiciary Law Journal*, vol. 87, no. 123, (2023). DOI: 10.22106/jlj.2023.1983303.5119
- Elsan, Mostafā & Fathi, Mohammad Reza. "The Concept of Frivolous Litigation and Strategies for its Reduction (With Emphasis on Iranian Jurisprudence and a Comparative Study in United States Law)." *Comparative Law Research Journal*, vol. 6, no. 1, (2022). DOI: 10.22080/lps.2022.23469.1333
- Gholizadeh, Ahad. "Legal Analysis of Securing Frivolous Litigation in Non-Contentious Matters." *Private Law Studies*, vol. 46, no. 2, (2016). DOI: 10.22059/jlq.2016.58410
- Hassanzadeh, Mahdi. "Analysis of the Sanction for Missing the Deadline to Raise Procedural Objections in Civil Litigation." *Contemporary Comparative Law Studies*, vol. 12, no. 25, (2021). DOI: 10.22034/law.2021.46422.2923

- Mohseni, Hassan & Ghamami, Majid & Malek Tabar Firouzjaei, Hadi. "The Tripartite Procedural Recognition (Non-Admission, Procedural Objections, and Substantive Defense)." *Private Law Studies*, vol. 50, no. 4, (2020). DOI: 10.22059/jlq.2020.260665.1007058
- Mohseni, Hassan & Malek Tabar Firouzjaei, Hadi. "A Comparative Look at the Concept and Instances of Procedural Objections in Iranian and French Law." *Comparative Law Research Journal*, vol. 5, no. 1, (2021). DOI: 10.22080/lps.2021.19927.1197
- Mouloudi, Mohammad & Hamzeh Hoveida, Mahdi. "Procedural Defense in Civil Litigation." *Judicial Law Views*, vol. 23, no. 82, (2018). Article Link: https://jlviews.ujss.ac.ir/article_703532.html
- Nezamolmaleki, Jafar & Jahanshahloo, Masoumeh. "The Possibility of Simultaneously Obtaining Security for Frivolous Litigation and Security from Foreign Nationals in Iranian Law: With a Look at Jurisprudence." *Legal Studies*, vol. 13, no. 1, (2021). DOI: 10.22099/jls.2020.34924.3617

استناد به این مقاله: حمزه هویدا، مهدی. (۱۴۰۴). زمان طرح تقاضای تأمین دعوای واهی در حقوق ایران (با نگاهی به رویه قضایی). پژوهش حقوق خصوصی، (۵۲)، ۱۴-۱۸۵، ۲۱۲.

doi: 10.22054/jplr.2025.87090.2943



Private Law Research is licensed under a Creative Commons NonCommercial 4.0 International License.